سازمان رهبری شیعه
در عصر غیبت صغری

محمدرضا جباری



بسم الله الرحمن الرحیم

سازمان رهبری شیعه در عصر غیبت صغری

نویسنده:

محمدرضا جباری

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیهالسلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سازمان رهبری شیعه در عصر غیبت صغری

مشخصات کتاب

نویسنده: محمد رضا جباری

ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

مقدمه

دوران غیبت صغری با ویژگی‌هایی از ادوار پیشین و پسین خود، باز شناخته می‌شود. از جمله مهم‌ترین وجوه تمایز این دوران با دوره‌های پیشین - یعنی عصر حضور ائمه‌علیهم السلام در رأس جامعه‌ی شیعه - محروم ماندن شیعیان از فیض حضور آشکار امام‌علیه السلام در متن جامعه است.تا سال ۲۶۰ ه. ق. شیعیان، به جز در زمان‌هایی که امامان شیعه‌علیهم السلام در زندان به سر می‌بردند یا در خانه‌ی خود زیر نظر بودند، آزادانه با آنان ارتباط داشتند و به طور مستقیم از هدایت و فیض معنوی آنان بهره‌مند می‌گشتند. دراین سال با شهادت امام حسن عسکری‌علیه السلام، به ناگاه شیعیان با وضع پیش بینی نشده‌ای روبه‌رو شدند. آنان به یک باره، امام خویش را در پس پرده‌ی غیبت یافتند. به طور طبیعی، نخستین پرسش و چشم‌داشت شیعیان در شرایط جدید، این بود که چگونه می‌توانند با امام خویش، ارتباط برقرار کنند و چاره‌ی مشکل‌های خویش را از او بجویند.این پرسش بی پاسخ نماند و در نخستین فرصت پس از آغاز غیبت صغری راه دست یابی به امام‌علیه السلام و چگونگی ارتباط با او در شرایط پدید آمده، به آگاهی گروهی از شیعیان رسید. یکی از روایت‌های تاریخی بر جا مانده از آن دوره که بر مدعای یاد شده، دلالت دارد، گفته‌ی شیخ صدوق درباره‌ی گروهی از شیعیان قم است. آنان مانند همیشه، برای دیدار با امام عسکری‌علیه السلام و تقدیم هدیه‌های مالی و وجوه شرعی و نامه‌های حاوی سؤالات شیعیان قم، به سامراء رفته بودند. این گروه در سامراء با شهادت امام یازدهم‌علیه السلام و ادعای دروغین امامت از سوی جعفربن علی الهادی - برادر امام عسکری‌علیه السلام - روبه‌رو شدند. چون جعفر - کذاب - نتوانست نشانه‌های لازم برای اثبات امامت خویش را به آنان ارایه دهد، پس از سرگردانی و گذر از مشکلاتی، راه بازگشت در پیش گرفتند. همین که به بیرون شهر سامراء رسیدند، پیک امام دوازدهم(عج) با آنان دیدار کرد. بدین ترتیب، آنان به درک فیض دیدار با آن بزرگوار موفق شدند. آن حضرت در همین دیدار به گروه قمی‌ها فرمود که از آن پس برای دیدار یا انجام امور مربوط به امام‌علیه السلام، دیگر به سامراء نروند؛ زیرا ایشان برای انجام امور یاد شده، نماینده‌ای در بغداد خواهد گمارد. [۱] .گذر زمان نشان داد که نماینده‌ی گمارده شده در بغداد، همان «عثمان بن سعید عمری»؛ نخستین سفیر و نایب ناحیه‌ی مقدّسه در دوران غیبت صغری است که جامعه‌ی شیعه را حتی در دورترین سرزمین‌های شیعه نشین جهان اسلام، رهبری می‌کرد. [۲] .«عثمان بن سعید عمری» ادامه دهنده‌ی راهی بود که سال‌ها پیش از دوران غیبت صغری و از سوی امام صادق‌علیه السلام آغاز شده بود. [۳] «عثمان بن سعید عمری»، در رأس آن قرار داشت، سازمانی پنهانی با هدف‌های مشخص بود که از آن با نام «سازمان یا نهاد وکالت» و یا «نظام الاموال والوکلاء» یاد می‌شود. [۴] .

هدف اصلی و زمینه‌های پیدایش سازمان وکالت

بی تردید یکی از هدف‌های این سازمان، پدید آوردن مجموعه‌ای از وکیلان با برنامه‌ای حساب شده بود تا زیر نظر وکیلانی برتر (وکیل ارشد یا سر وکیل) [۵] در گوشه و کنار جهان اسلام، به ویژه در سرزمین‌هایی که شمار شیعیان بیشتر بود، به فعالیت

بپردازنـد. این سازمـان، نقش شـبکه‌ی ارتبـاطی را بین شـیعیان و مرکز اسـتقرار رهبری شـیعه ایفـا می‌کرد.پیش زمینه‌های پیـدایش و گسـترش جریـان وکـالت پس از امـام صـادق‌علیه السـلام را می‌تـوان این‌گونه برشـمرد: دوری منـاطق شـیعه نشـین از مرکز اسـتقرار ائمه‌علیهم السـلام، وجود جوّ خفقان، دشوار بودن ارتباط مسـتقیم امامان‌علیهم السلام با شیعیان، دسترسی نداشتن شیعیان به امامان به دلیل حبس، شهادت یا غیبت، و بالاخره آماده سازی شیعیان برای پذیرش شرایط ویژه‌ی دوران غیبت.امامان شیعه‌علیهم السلام بسیار کوشـیده بودند با تبیین جریان صـحیح مهدویّت، ذهن شـیعیان را برای پذیرش اصل غیبت آماده‌تر سازند.با این حال، شیعیان پس از شهادت امام یازدهم‌علیه السـلام، به دلیل غیبت فرزند ایشان و محروم ماندن از درک حضور مستقیم و آشکار امام،سرگردان شدند؛ زیرا آنـان نزدیـک به دو و نیم قرن از نعمت امام حاضـر بهره‌منـد بودنـد،پس به طور طبیعی، آن‌گاه که امام معصوم، در میان شـیعه، حضوری آشکار ندارد، باید جانشینی برگزیند و شیعیان را به سوی او رهنمون شود.این جایگزین، همان سفیر، نایب یا باب حضرت حجت (عج) در دوران غیبت بود. نشانه‌هایی در دست است که شـیعیان هنگام رویارویی با شرایط جدید و پس از ناامیدی از درک حضور امـام‌علیه السـلام، در جست‌وجوی باب یا سـفیر آن حضـرت بوده و گاه برای شـناسایی سـفیر راستین و واقعی امام عصـرعلیه السـلام، نماینـده‌ای را به بغـداد یا سامراء گسـیل می‌داشـتند. البته در همه‌ی این موارد، امـداد ناحیه‌ی مقدسه به یاری این نمایندگان آمـده و آنان را به سوی مطلوب خویش راهنمایی می‌کرد. برای نمونه، افزون بر جریان یاد شـده درباره‌ی گروه قمی‌ها – وفد قمّیین – بـه جریان‌هـای «حسن بن نضـر قمی»، [۶] «محمـدبن ابراهیم بن مهزیـار اهوازی» [۷] و «ابوالعبـاس احمـد دینوری» [۸] نیز می‌توان اشاره کرد.

ادعاهای دروغین نیابت

با آغاز دوران غیبت صـغری برخی به دروغ و با انگیزه‌های خیانت کارانه، مـدّعی نیابت و بابیّت حضـرت حجّت (عـج) شدند. ازاین رو، شیعیانی که در سرزمین‌های دور از بغداد (مرکز استقرار سفیر ناحیه‌ی مقدسه) می‌زیستند، برای شناسایی سفیر راستین از سفیران دروغین، به امـداد ناحیه‌ی مقـدسه نیازمند بودند.از جمله کسانی که در دوران غیبت صـغری دعوی دروغین سـفارت و بابیّت را سـر دادند به این افراد می‌توان اشاره کرد: اسـحاق احمر، [۹] باقطانی، [۱۰] ابومحمّد شریعتی، [۱۱] محمدبن نصیر نمیری، [۱۲] احمدبن هلال کرخی عبرتائی، [۱۳] محمد بن علی بن بلال، [۱۴] ابوبکر بغدادی، [۱۵] ابودلف مجنون، [۱۶] حسین بن منصور حلّاج [۱۷] و ابوجعفر شلمغانی. [۱۸] .البته امام و سفیران راستین او نیز برای مقابله با این مدعیان دروغین، شیوه‌های مناسبی را در پیش می‌گرفتند. گاه مقایسه‌ی وضـعیت ظاهری مـدعیان دروغین با سـفیر راستین حضـرت، سـبب می‌شد مردم به ادعای دروغین آنان پی ببرند. برای نمونه، احمـد دینوری هنگـامی که وارد بغـداد شـد، بـا ادعای نیابت از سوی سه تن روبه‌رو گشت. یکی از آنان «ابوجعفر محمـدبن عثمـان بن سـعید عمری» و دو تن دیگر، «اسـحاق احمر» و «باقطانی» بودنـد. او به منزل هر سه تن رفت. ابوجعفر عمری، فردی فروتن بود که منزلی کوچک و سلوکی همانند سـلوک ائمه‌علیهم السـلام داشت؛ اما، دو تن دیگر دارای خدمت کاران فراوان و خانه‌های گران قیمت بودند. دینوری با دیدن و مقایسه‌ی وضـعیت این دو تن با وضـعیت سـفیر حضرت، در راستین بودن ادعای آن دو، دچار تردید شد و سـرانجام با ارشادهای ناحیه‌ی مقدسه، به راستین بودن سخن ابوجعفر عمری، یقین پیدا کرد. [۱۹] .در مواردی نیز، سفیر نـاحیه‌ی مقـدسه در محفل مـدعی سـفارت حاضـر می‌شـد و به شـیوه‌ای، از وی نسـبت به دروغ بودن ادعایش اقرار می‌گرفت. برای نمونه، «ابوطاهر محمـدبن علی بن بلال» یکی از کسانی بود که به دروغ، ادعای بابیّت کرد. روزی ابوجعفر عمری به محفلی که او و شمـاری از پیروانش در آن حاضـر بودنـد، رفت و خطـاب به او گفت: «آیـا صـاحب الزمان به تو امر نکرد که اموال را به من تحویل دهی؟» و او در حـالی که رنـگ بـاخته بود، چـاره‌ای جز اقرار ندیـد! و همین مسـأله، سـبب بازگشـتن برخی از پیروانش از پیروی او گردید. [۲۰] .یکی دیگر از راه کارهـای مقـابله‌ی نـاحیه‌ی مقـدّسه با ادعاهای دروغین نیابت و بابیّت در دوران غیبت صـغری اعلام

لعن مدّعی دروغین به وسیله‌ی توقیع‌هایی بود که به واسطه‌ی سفیران و نایبان راستین حضرت به دست شیعیان می‌رسید. گاه حضرت به دلیل جایگاه ویژه‌ی فرد مدّعی، ناگزیر می‌شد دو یا سه بار اعلام لعن و افشای ماهیت مدّعی دروغین را تکرار کند؛ دراین باره، به «احمدبن هلال کرخی عبرتائی» می‌توان اشاره کرد؛ زیرا وی سابقه‌ی وکالت برای امام هادیعلیه السلام و امام عسکریعلیه السلام را داشت و فردی صوفی مسلك و به ظاهر دین دار بود، و ۵۴ سفر حجّ انجام داده بود که بیست بار آن را با پای پیاده بوده است! [۲۱] .

نقش ارتباطی محورهای فعالیت نایبان چهارگانه و کارگزاران آنان

شیعیان در دوران غیبت صغری به دلایل گوناگون نزد نایبان یا وکیلان ناحیه‌ی مقدّسه مراجعه می‌کردند. متعارف‌ترین دلیل مراجعه به وکیل در طول دوران فعالیت سازمان وکالت از زمان امام صادقعلیه السلام تا پایان دوران غیبت صغری پرداخت وجوه شرعی و هدیه‌ها و نذرهای مردمی بود. البته کار وکیلان به این مورد، منحصر نمی‌شد. شواهد نشان می‌دهد که آنان «نقش ارتباطی» میان مردم و امام را داشته‌اند. آنان نامه‌ها، پیام‌ها، پرسش‌ها و مشکلات فردی یا عمومی شیعیان را به محضر امامانعلیهم السلام می‌رساندند و پس از دریافت پاسخ، آن را به افراد ابلاغ می‌کردند. این نقش ارتباطی در دوران غیبت صغری به دلیل غیبت امامعلیه السلام، جایگاه مهم‌تری یافت؛ زیرا سفیر ناحیه‌ی مقدسه در این دوران، تنها راه ارتباطی شیعیان با وجود شریف حضرت مهدی (عج) بود. البته در موارد نادری، تماس‌ها به وسیله‌ی پیك‌های ویژه‌ی آن حضرت برقرار شده است که به یک نمونه از آن در ماجرای «وفد قمیّین» اشاره کردیم.

توقیع نویسی، معمول‌ترین شیوه‌ی ارتباطی رهبری شیعه در دوران غیبت صغری

یکی از معمول‌ترین راه‌های ارتباط با ناحیه‌ی مقدسه در دوران غیبت صغری «توقیع»های صادر شده از سوی ناحیه‌ی مقدسه برای شیعیان بود. «توقیع»، نوشته‌ای بود که در لابه لای سطور یا در ذیل آن‌ها، در پاسخ به پرسش‌ها می‌آمد. گاهی نیز توقیع بی آن‌که پاسخ به پرسش پیشین باشند، از سوی ناحیه‌ی مقدّسه صادر می‌شد. البته صدور همین توقیع‌ها نیز در راستای زدودن مشکلی در جامعه‌ی شیعی آن روزگار بوده است. توقیع‌های ناحیه‌ی مقدّسه در بیشتر موارد از راه نایبان چهارگانه به دست شیعیان می‌رسید. امّا در برخی موارد، بعضی وکیلان برجسته نیز این صلاحیت را یافتند که واسطه‌ی صدور توقیع باشند. از آن جمله به «محمدبن جعفر اسدی رازی»؛ وکیل برجسته‌ی ناحیه‌ی مقدسه در منطقه‌ی ری [۲۲] و «قاسم بن علاء آذربایجانی»؛ وکیل ناحیه‌ی آذربایجان [۲۳] می‌توان اشاره کرد.درون مایه‌ی توقیع، یکی از موارد زیر بود: رفع اختلاف‌ها، تردیدها و شبهه‌های موجود در جامعه‌ی شیعی، [۲۴] اعلام نصب وکیلان به وکالت، [۲۵] اعلام عزل وکیلان خیانت پیشه، [۲۶] اعلام لعن مدعیان دروغین نیابت و بابیّت، [۲۷] پاسخ به پرسش‌های شرعی، [۲۸] حل مشکلات خصوصی شیعیان مانند مشکلات خانوادگی، [۲۹] دستور عمل به وکیلان. [۳۰] .بی تردید، ساختار وکالت و نیابت در کنار دو نقش یاد شده، نقش ارشاد، هدایت و راهنمایی شیعیان را نیز برعهده داشته است. به عبارت دیگر، وظیفه‌ی اصلی سفیران و وکیلان ناحیه‌ی مقدسه، ارشاد شیعیان به سوی مسیر اصیل امامت و رهایی بخشیدن آنان از سردرگمی در غوغای شیطنت‌های فرمانروایان عباسی، ادعاهای مدعیان دروغین نیابت و خیانت برخی یاران پیشین ساختار نیابت بود.

خرق عادت در جریان هدایت

هدایت و ارشاد مردم، همواره به صورت عادّی نبوده، بلکه در صورت نیاز، به امر و عنایت ناحیه‌ی مقدّسه، برخی خرق عادت‌ها نیز

به وسیله‌ی سفیران و نایبان ناحیه‌ی مقدسه انجام گرفته است. ابوجعفر عمری در یک ماجرا، با خرق عادت، از محلّ پارچه‌ی گم شده‌ای به یکی از شیعیان خبر می‌دهد! [۳۱] هم‌چنین حسین بن روح نوبختی به نامه‌ای نانوشته، که صفحه‌ای سفید بیش نبوده و پرسش تنها در ذهن صاحب نامه بوده است، پاسخ می‌دهد! [۳۲] علی بن محمّد سمری نیز در بغداد از وفات علی بن بابویه قمی در قم خبر می‌دهد که بعد آشکار می‌شود که ابن بابویه در همان تاریخی که سفیر چهارم خبر داده بود، رحلت کرده است! [۳۳] ده‌ها نمونه از این گونه خرق عادت‌ها را در لابه لای متن‌های تاریخی می‌توان جست.

نهان کاری، اصل حاکم بر ساختار رهبری شیعه در دوران غیبت صغری

هم‌چون دوره‌های پیشین، «اصل تقیه و نهان کاری» بر ساختار رهبری کننده‌ی شیعه در دوران غیبت صغری حاکم بود. از این رو، برخی پژوهش‌گران، نام «سازمان زیر زمینی» یا «التنظیم السرّی» را برای این نهاد برگزیده‌اند. [۳۴] این اصل در دوران غیبت صغری با شدّت هر چه تمام‌تر رعایت می‌شد. به طور کلی، یکی از شرایط گزینش سفیر و باب از سوی ناحیه‌ی مقدسه، داشتن توانایی فراوان بر پرده‌پوشی و نهان کاری بود. این نهان کاری در برخی بُرهه‌های زمانی که اختناق، شدیدتر و خطر محسوس‌تر می‌شد، افزایش می‌یافت. برای نمونه، نهان کاری سفیر دوّم به گونه‌ای بود که وی برای رساندن مضمون توقیع مبارك ناحیه‌ی مقدسه که دربردارنده‌ی دستورهایی به یکی از دستیاران مشهور سفیر، یعنی «جعفربن محمدبن متّیل قمی» بود، او را به خرابه‌ی عبّاسیه‌ی بغداد برد، آن گاه با نشان دادن توقیع مبارک، جعفر را از دستورهای موجود در آن آگاه ساخت، سپس توقیع را پاره پاره کرد تا اثری از آن باقی نماند! [۳۵] .در همین راستا، شدت نهان کاری و تقیّه‌ی سوّمین سفیر حضرت، زبانزد جامعه‌ی شیعه بوده است. [۳۶] روزی یکی از شیعیان از ابوسهل نوبختی می‌پرسد: چرا ناحیه‌ی مقدسه با وجود جایگاه رفیع علمی و اجتماعی تو، ابن روح را به نیابت برگزیده است؟ او در پاسخ می‌گوید: درجه‌ی راز نگهداری ابن روح چنان بالا ـ است که اگر او، حضرت حجّت (عج) را پنهان کرده باشد، حتی در صورت قطعه قطعه کردن بدنش با قیچی، سخنی نمی‌گوید! [۳۷] .در پیشبرد کار این سازمان پنهانی، گاه امدادهای معجزه آسای حضرت حجت‌علیه السلام نیز بسیار گره گشا بوده است. برای نمونه، در دوران سفارت «محمدبن عثمان بن سعید عمری»، حکومت وقت از برخی از فعالیت‌های پنهانی این سازمان آگاه شد، بنابراین، کسانی را به عنوان شیعیانی که قصد پرداخت وجوه شرعی دارند، نزد افرادی فرستاد که در مظانّ اتهام وکالت قرار داشتند. یکی از وکیلانی که با این جاسوسان روبه‌رو شد، «محمدبن احمد بن جعفر قطّان قمّی» بود. البته چون با آغاز این توطئه، ناحیه‌ی مقدسه در توقیعی، همه‌ی وکیلان را تا اطلاع بعدی از دریافت هرگونه وجهی منع کرده بود، وکیل یاد شده نیز منکر وکالت خود شد و هیچ وجهی از آن جاسوس دریافت نکرد! این وضعیت تا رفع کامل خطر برقرار بود. [۳۸] .

نقش امام عصر در گزینش نایبان و کارگزاران آنان

جریان گزینش نایبان چهارگانه به عنوان هدایت گران جامعه‌ی شیعه، و وکیلان سرزمین‌های شیعه نشین، به عنوان کارگزاران ساختار رهبری کننده‌ی شیعه در دوران غیبت صغری به طور مستقیم از سوی ناحیه‌ی مقدسه، صورت می‌گرفت [۳۹] پایدار ماندن این سازمان و ادامه‌ی منظم روند امور و حفظ جامعه‌ی شیعه و دستگاه رهبری کننده‌ی آن دربرابر خطر دشمن، اقتضا می‌کرد که کارگزارانی زُبده و مورد اطمینان برای این کار، برگزیده شوند.

گستره‌ی جغرافیایی نظارت و عملکرد سازمان نیابت

از مطالعه‌ی شواهد موجود برای شناسایی گستره‌ی جغرافیایی نظارت ساختار رهبری کننده‌ی شیعه در دوران غیبت صغری

درمی‌یابیم که گوشه و کنار سرزمین‌های شیعه‌نشین آن روز به وسیله‌ی این شبکه‌ی پنهانی با مرکز رهبری کننده‌ی آن در بغداد و سامراء ارتباط داشته‌اند. بنا بر شواهد موجود، فهرستی از سرزمین‌های زیر پوشش این سازمان، از این قرار است:۱) جزیرهٔ العرب شامل: مدینه، مکّه، یمن و بحرین.۲) عراق شامل: کوفه، بغداد، سامراء، مدائن، قُراء سواد، واسط، بصره، نصیبین و موصل.۳) شمال آفریقا شامل: مصر و مغرب.۴) ایران شامل: قم، آوه (آبه)، ری، قزوین، همدان، دینور، قرمیسین، آذربایجان، اهواز.۵) خراسان و ماوراء النهر شامل: بیهق، نیشابور، مرو، بلخ، کابل، سمرقند، کش، بخارا و...آن سان که گذشت، نایبان چهارگانه با همکاری و همراهی شماری دستیار و وکیل، جریان هدایت و رهبری شیعه در دوران حیرت یا غیبت را به پیش می‌بردند. نخستین سفیر ناحیه‌ی مقدسه با همیاری سه وکیل برجسته در بغداد، کار خود را در دوران حسّاس و سرنوشت ساز آغاز غیبت صغری انجام داده است. نام سه تن دستیار او عبارت است از: «احمدبن اسحاق اشعری قمی»، «حاجزبن یزید وشّاء» و «محمدبن احمدبن جعفر قطّان قمی». [۴۰] البته فرزند وی؛ یعنی «محمدبن عثمان عمری» نیز در کنار پدر به فعالیت مشغول بوده است. با مرگ سفیر اوّل و جانشینی پسرش، همان دستیاران پیشین در کنار دومین سفیر، به فعالیت خود، ادامه دادند. گویا این دستیاران در دوران بلند مدت نیابت سفیر دوّم بدرود حیات گفته‌اند. سفیر دوّم نیز برای پیشبرد امور، دستیاران دیگری برای خود برگزید و با کمک آنان، کار نظارت بر سازمان و ارتباط با وکیلان سرزمین‌های دیگر را اداره می‌کرد. بنا بر تصریح شیخ طوسی، در بغداد ده نفر وکیل زیر نظر سفیر دوّم و برای انجام دستورهای او مشغول به کار بودند. [۴۱] .«حسین بن روح نوبختی» که پس از درگذشت سفیر دوّم، به فرمان ناحیه‌ی مقدّسه، عهده دار مقام نیابت شد، خود یکی از کارگزاران سفیر دوّم بوده است. در روزهای پایانی زندگی سفیر دوّم، برای این که شیعیان با حسین بن روح بیشتر آشنا شوند، امور نیابت به ویژه دریافت وجوه شرعی، بیشتر به وی سپرده شده بود. [۴۲] .با آغاز نیابت ابن روح، دستیاران سفیر دوّم هم‌چنان در کنار سفیر سوّم به فعالیت ادامه دادند. یکی از دستیاران برجسته‌ی ابن روح، که حتی در دوران زندانی بودن وی، به عنوان اداره کننده‌ی امور، ایفای نقش می‌کرد، «ابوجعفر محمدبن ابی العزاقر» معروف به «شلمغانی» بود. وی بعدها به دلیل سوء استفاده از منصب و جایگاه خویش و بیان برخی عقیده‌های ناصواب مانند عقیده‌ی «حلول»، از سمت خود عزل شد و به لعن ناحیه‌ی مقدسه، دچار گشت. [۴۳] .نام دستیاران سفیر چهارم، به دست ما نرسیده است، ولی می‌توان حدس زد که برخی از دستیاران سومین سفیر، پس از درگذشت وی، هم‌چنان در پست خود به کار مشغول بوده‌اند.افزون بر کارگزاران و معاونان برجسته‌ی سفیران که معمولاً در بغداد یا شهرهای پیرامون آن زندگی می‌کردند. وکیلان ساکن در دیگر سرزمین‌های شیعه نشین نیز در خدمت نایبان چهارگانه و زیر نظر آنان مشغول فعالیت بوده‌اند. ره‌آورد بررسی مفصّل در منابع رجالی و روایی، یافتن نام چهل تن از این وکیلان بوده است. برخی از آنان عبارتند از: حسن بن نضر قمی، أبوصدام، ابوعلی محمدبن احمدبن حمّاد مروزی محمودی، جعفربن عبدالغفار، ابوالحسین محمدبن جعفر اسدی رازی، محمدبن شاذان بن نعیم نیشابوری، قاسم بن علاء آذربایجانی، حسن بن قاسم بن علاء آذربایجانی، علی بن حسین بن علی طبری سمرقندی، ابومحمّد جعفربن معروف کشی، بسّامی، عاصمی، ابوجعفر محمدبن علی شلمغانی،ابوالقاسم حسن بن احمد، ابوجعفر محمدبن احمد زجوزجی، ابوجعفر محمدبن علی اسود، محمّد بن عباس قمی، احمدبن متّیل قمی، ابوعبداللّه بزوفری، ابو علی محمدبن ابی‌بکر همام بن سهیل کاتب اسکافی، ابومحمّد حسن بن علی جناء نصیبی و....بدین ترتیب، نایبان چهار گانه با هدایت فعالیت‌های سازمان پر سابقه‌ی وکالت، در دوران غیبت صغری توانستند راه ارتباطی مطمئن و کارگشایی بین ناحیه‌ی مقدسه و شیعیان سرزمین‌های گوناگون باشند و از آن به بهترین روش برای حفظ سازمان رهبری جهان تشیع در این دوره‌ی حسّاس و سرنوشت ساز، بهره جویند.بنابراین، شناخت دقیق فعالیت‌های نایبان چهارگانه، گستره‌ی کار آنان و چگونگی رهبری جامعه‌ی شیعه در دوران هفتاد ساله‌ی غیبت صغری بدون توجه به پیشینه‌ی پیدایش و فعالیت‌های شبکه‌ی ارتباطی وکالت در دوره‌های پیشین، ممکن نخواهد بود. سازمان نیابت، ادامه‌ی فعالیت شمار بسیاری وکیل و سروکیل بود که پس از زمان امام صادق‌علیه السلام، با دقت و نظم فراوان، گردش امور را در سرزمین‌های شیعه نشین به

دست گرفته و خط ارتباطی بین شیعیان و مراکز استقرار ائمه‌علیهم السلام را در مدینه، بغداد، مرو و سامراء حفظ کرده بودند.با درگذشت سفیر چهارم و صدور توقیعی از سوی ناحیه‌ی مقدسه خطاب به وی - چند روز پیش از وفاتش - او موظّف شد که دیگر برای به دست‌گیری جریان سفارت و نیابت، جانشینی برنگزیند و در همان توقیع، پایان دوران غیبت صغری و آغاز دوران غیبت کبرا (غیبت تامّه) اعلام گردید.با پایان یافتن دوران غیبت صغری و با درگذشت آخرین رهبر شبکه‌ی وکالت و نیابت (سفیر چهارم)، دوران فعالیت سازمان وکالت پس از دو قرن تلاش به پایان رسید و سازمان فقاهت در طول دوران غیبت کبرا، ادامه دهنده‌ی راه سازمان وکالت تا عصر حاضر گشت.

پاورقی

[۱] کمال الدین و تمام النعمهٔ، محمدبن علی بن بابویه قمی، ملقّب به شیخ صدوق، به تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه‌ی مدرّسین، ۱۴۱۶ ه.ق، ص ۴۷۶.

[۲] الغیبهٔ، ابوجعفر محمدبن حسن طوسی، ملقّب به شیخ طوسی، بیروت، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۲ ه.ق، ص ۲۱۶.

[۳] همان، ص ۲۱۰.

[۴] مکتب در فرآیند تکامل، سید حسین مدرسی طباطبایی، ترجمه: هاشم ایزد پناه، ایالات متحده، نیوجرسی، نشر داروین، ۱۳۷۴ ه.ش، ص۱۵؛تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم(عج)، جاسم حسین، ترجمه: سید محمّد تقی آیت اللّهی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۷ ه.ش، ص ۱۳۴.

[۵] تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم(عج)؛ ص ۱۳۷؛ مکتب در فرآیند تکامل، ص ۲۲؛ رجال نجاشی، ابوالعباس احمدبن علی نجاشی، قم، داوری، بی تا، ص ۲۴۳؛ رجال کشی، ابوعمرو محمدبن عمربن عبدالعزیز کشی، انتخاب و تلخیص: شیخ طوسی، به تصحیح: حسن مصطفوی، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ه.ش، ص ۵۱۳، ح ۹۹۱ - ۹۹۲، و ص ۵۴۹، ح ۱۰۳۸.

[۶] الکافی، ابوجعفر محمدبن یعقوب کلینی رازی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۷۷ ه.ش، ج ۱، ص ۴۱۷، ح ۴.

[۷] الغیبهٔ، ص ۱۷۰؛ کمال الدین و تمام النعمهٔ، ص ۴۸۷.

[۸] بحار الانوار، علاّمه محمدباقر مجلسی، تهران، ۱۳۷۶ ه.ق به بعد، ج ۵۱، ص ۳۰۰.

[۹] همان.]

[۱۰] همان.

[۱۱] الغیبهٔ، ص ۲۴۴.

[۱۲] همان، ص ۲۴۵؛ رجال کشی، ص ۴۳۸؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۷.

[۱۳] الغیبهٔ، ص ۲۱۴؛ مکتب در فرآیند تکامل، ص ۹۶.

[۱۴] الغیبهٔ، ص ۲۴۵.

[۱۵] همان، ص ۲۵۶.

[۱۶] همان، ص ۲۵۵.

[۱۷] همان، صص ۲۴۶ - ۲۴۷.

[۱۸] همان، صص ۱۸۷ و ۲۵۱ - ۲۵۲.

[۱۹] بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰۰.

[۲۰] الغیبهٔ، ص ۲۴۵.

[۲۱] همان، صص ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۲۸، ۲۴۵؛ کمال الدین و تمام النعمهٔ، ص ۴۸۹.

[۲۲] رجال شیخ طوسی، نجف، مکتبهٔ الحیدریهٔ، ۱۳۸۰ ه.ق، ص ۴۹۶؛ الغیبهٔ، ص ۲۵۷؛ تنقیح المقال، علامه مامقانی، نجف، مکتبهٔ المرتضویهٔ، ۱۳۵۷ ه.ق، ج ۲، ص ۹۲، از ابواب فاء.

[۲۳] بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰۳.

[۲۴] الغیبهٔ، ص ۱۷۸.

[۲۵] همان، صص ۱۷۰ و ۱۹۲.

[۲۶] همان، صص ۱۷۴ و ۱۸۷؛ رجال کشی، ص ۴۵۰.

[۲۷] همان.

[۲۸] کمال الدین و تمام النعمهٔ، صص ۳۸۲ و ۴۰۷.

[۲۹] الغیبهٔ، صص ۱۸۴، ۱۸۵ و ۱۹۷؛ الارشاد، شیخ مفید، بیروت، مؤسسهٔ الاعلمی، ۱۴۱۰ ه.ق، ص ۳۳۲.

[۳۰] الغیبهٔ، صص ۲۴۱ – ۲۴۲.

[۳۱] کمال الدین و تمام النعمهٔ، ص ۵۰۲؛ الغیبهٔ، ص ۱۷۹.

[۳۲] الغیبهٔ، ص ۱۹۲.

[۳۳] کمال الدین و تمام النعمهٔ، ص ۵۰۳.

[۳۴] تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم(عج)، ص ۱۳۴.

[۳۵] کمال الدین و تمام النعمهٔ، ص ۵۰۳.

[۳۶] الغیبهٔ، ص ۲۳۶.

[۳۷] همان، ص ۲۴۰.

[۳۸] بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۱۰.

[۳۹] برای نمونه ر. ک: جریان گزینش محمّد بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی به وکالت در الغیبهٔ، ص ۱۷۰؛ جریان گزینش حسن بن قاسم بن علاء آذربایجانی به وکالت در الغیبهٔ، ص ۱۹۱ و الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، تحقیق: مؤسسهٔ الامام المهدی (عج)، قم، ه. ق، ج ۱، ص ۴۶۷.

[۴۰] تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم(عج)، ص ۱۴۹.

[۴۱] الغیبهٔ، ص ۲۲۷.

[۴۲] همان، صص ۲۲۳ و ۲۲۷.

[۴۳] همان، صص ۱۸۳ و ۲۴۸.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹